

بالاترین انتظار

✧ نقش امید در زندگی

✧ انتظار بهروزی و گشایش

✧ مهمتر از هر انتظار

✧ عظمت انتظار ظهور و مصالح جهانی

✧ فواید انتظار فرج

✧ انتظار باید منشأ آثار مثبت باشد نه منفی

نقش امید در زندگی

اگر سعادت و خوشبختی بشکل فرشته‌ای مجسم میشد و سخن می‌گفت پیش از هر چیز از امید و انتظار تشکر میکرد چرا که امید و انتظار پدید آورنده و ریشه و اساس اوست.

سعادت بشر بیش از هر چیز مرهون امیدواری و انتظار است .
امید مایه گرمی بازار زندگی ، کلید مشکلات ، ریشه فعالیت ها و کوشش ها ، پایه لذت ها و رستگاریهاست . انتظار رمز پیشرفت و ترقی ، و نشان موفقیت و کامیابی و چراغ راه پیچاپیچ هر سختی و دشواریست .
اگر انتظار نبود زندگی تلخ و خشن و بی روح و نفرت آور بود .
اگر نور امید و انتظار را از دلها بگیرند دلها از تپش ایستاده و در

صحنه سینه چون بنائی شکست خورده فرو میریزند صحنه زندگی از مشکلات و موانع و مرارتها و نا کامیها لبریز است . پرتو نافذی که در این تیرگی میدرخشد و برسیاهها غالب میشود و بزندگان نیرو و نور و حرارت میدهد امید است. اینکه می گوئیم امید و آرزو باعث رونق زندگی و رواج کار و کوشش و سرمایه همه شورهاست مبالغه و اغراق نیست راستی اگر این روح را از پیکر زندگی بگیریم دیگر حرکت و تلاش و کوشش در زندگی کم شده و رفته رفته زندگی بنا بودی می گراید اگر این نیروی محرک در کارخانه عظیم هستی نباشد چرخهای حیات روی هم خوابیده و شعله های ترقی و تکامل خاموش می شود این حقیقت را زبان رازدان بیمبر اسلام نیکو بیان کرده است :

الامل رحمة لامتی ولو لالامل مارضعت والدة ولدها ولا عرس
غارس شجرا (سفینه ج ۱ ص ۳۰)

: آرزو برای امت من رحمت خداست و اگر امید و آرزو نبود حتی مادر تحمل زحمات فرزند نمی کرد و بفرزند خود شیر نمیداد و هیچ دهقان نهالی را در زمین نمیکاشت . (۱)

هر بامداد که خفتگان سراز خواب بر میدارند هر کس بامیدی از خانه بیرون می آید و راه جوشش و کوشش را پیش می گیرد : محصل بامید پیشرفت تحصیل و گرفتن مدارک علمی ، زارع بامید برداشت محصول ، تاجر بامید بردن سود ، کارگر بامید رسیدن بهرک و نوا کاسب بامید درآمد . و . .

۱- اگر چه از نظر لغت بین امید و آرزو فرقی گذاشته اند اما بدون تردید کلمه (امل) آرزو، در این روایت شامل امید می شود .

انتظار و امید بهر جا که برود سعادت و خوشبختی هم سایه صفت به دنبال او می‌رود ملتی که انتظار و امید ندارد روح ورشد ندارد .
 بیماری که امید بهبودی ندارد این ناامیدی زودتر از مرض او را از پا انداخته و بهلاکت می کشاند اما بیمار امیدوار هر قدر هم مرض سخت باشد بهبودی در حق او بیشتر انتظار می‌رود .

سربازی که امید پیروزی ندارد هنوز جنگ نکرده خود را می‌بازدو شکست می‌خورد ولی سربازی که در مغز او گرمی امید و دردل او انتظار فتح است شاهد پیروزی را در آغوش می‌گیرد چه بسیار سپاه اندک ولی امیدوار و بااراده بر سپاهی بیکران که نا امید و خود باخته بوده‌اند پیروز شده‌اند.

زندگی میدان مبارزه است و ما هر يك بنوبه خود سربازی هستیم که در این میدان با حوادث و نا کامیها می‌جنگیم اگر امیدوار باشیم بر مصائب و مشکلات پیروز گشته و از این میدان سرافراز و روسپید بیرون می‌آئیم اما اگر نا امید و خود باخته باشیم همیشه شکست خورده و مقهوریم .

گر نباشد بدل فروغ امید
 نبود گر نشاط و شوق و نوید
 زندگی را بود امید کلید
 آدمی را جهان شود زندان
 دل شود خسته جان شود حیران
 هر معما از او شود آسان



نا امید سیاهیست و بلا
 دوزخی تیره است و جانقرسا
 در ره یأس هر که شد پویا
 قهر حق است و برق عالمسوز
 وحشت افزا شیست بی‌دم‌روز
 نشود بر مراد خود پیروز

انتظار بهروزی و گشایش

هر گاه آدمی در مضیقه و تنگی قرار گرفت راه علاج او آنست که در همان حال قلبش متوجه بخدا گشته امید فضل و رحمت الهی و انتظار فرج حق را داشته باشد در این هنگام است که دل از اضطراب می ایستد و با اتکاء بر رحمت خدا قرار و آرامش می پذیرد و پس از آن ، سختی ها و مضائق تبدیل بخوشی و آسایش می گردد.

کسیکه ایمان بخدا دارد باید همیشه امید بهروزی و انتظار گشایش کارها را داشته باشد خداوند بزرگ ایمان را ملازم با امید و کفر را ملازم بایأس از فضل الهی دانسته است .

قرآن مجید ناامیدی را جز مولود کفر نمی داند . با لهجه ای قاطع و بیانی کلی میفرماید **انه لا یبأس من روح الله الا القوم الکافرون** حقیقت این است که از فضل خدا جز مردم کافر ناامید نمی شوند و فضل خدا در این آیه بطور قطع شامل آسایشهای مادی و رحمتهای دنیوی می شود همانطور که شامل الطف خدا در آخرت نیز می گردد .

از پیغمبر گرامی اسلام نقل شده است که فرموده :

افضل اعمال امتی انتظار فرج الله عز وجل (۱)

پیامبر اسلام انتظار فرج را بالاترین عمل امت خود معرفی میکند و همین روایت دلیلی روشن بر زنده بودن اسلام است که با این لهجه بلیغ مردم را با امید و انتظار سوق می دهد و نور امید را در دلها برمی افروزد و وقتی ما پی باهمیت فرمایش حضرت می بریم که امت وسیع اسلامی را در نظر بگیریم و درك کنیم چه بزرگواران و شایستگانی در این امت بوده اند و هستند

همچون شهیدان خونین کفن، دانشمندان پرهیز کار، پارسایان خدا-
 ترس، رهبران با اخلاص و... و نیز اعمال امت اسلامی را از نظر کیفیت
 و کمیت بحساب آوریم و ببیندیشیم که چه اعمال گرانقدری از امت اسلام
 سرزده و خواهد سرزد مانند شهادتها، جهادها؛ فدا کاریهای جانی و مالی،
 عبادتها، اخلاصها، خیرخواهیها؛ دفع دشمنها؛ ترویج فضیلتها، تألیفها
 مناظرهها، تبلیغها؛ بت شکنیها؛ سرکوبی ستمگرها؛ یاوری ستمدیده-
 ها و... ..

وقتی اینهمه را حساب کردیم و دیدیم که پیامبر اسلام انتظار گشایش
 را بر هر عملی از اعمال امت اسلامی فرو نی داده است، در اعجاب فرو خواهیم
 رفت و بدرک حقیقت مطلب نزدیک خواهیم شد.

نکته ای که قابل توجه است آنست که در این روایت و نظایر آن
 انتظار فرج بطور کلی موضوع سخن قرار گرفته است البته انتظار فرج امام
 زمان (ع) مصداق روشن و کاملی از آنست، اما این امر باعث آن نمیشود که
 انتظار را در انتظار فرج امام زمان منحصر کنیم و باصطلاح در این روایت و در
 روایات دیگر جهتی بچشم نمی خورد که باعث تقیید این اطلاق گردد.

شوق با جان و دل در آمیزد	بامیدی که در دل فرداست
از گل-وی امید بسر خیزد	در جهان هر نوا و هر غوغاست
جان برافروزد و دل انگیزد	انتظار فرج که شیوهٔ ماست

دارد آینده ای درخشنده	هر که را انتظار راهبر است
راستی مرده ایست جنبیده	بردل هر که یأس کار گراست
که بود ز انتظار، دل زنده	بین اقوام، شیعه مفتخر است

انتظار گشایش و توقع فرج راه حیرت و سرگستگی را برانسان می‌بندد و انسان میتواند با آرامش بجوانب کار بیندیشد و تدابیر لازم را برای نجات خود اتخاذ کند فرق است بین کسیکه در سختیها خود را می‌بازد و پناهگاهی برای خود نمی‌بیند و آنکس که با کمال امید چشم خود را بفضل خدا دوخته و از او انتظار فرج دارد اینچنین فردش آرام و مطمئن است بهتر میتواند در برابر ناامایمات مقاومت کند ، انتظار گشایش ، خود باعث تقویت روح و استحکام اراده و فزونی استقامت در انسان میشود و بقلب تسلی و آرامش می‌بخشد .

از معصوم (ع) روایت شده است که فرمود : **انتظار الفرج من اعظم الفرج (۱)** : انتظار گشایش کارهای فرو بسته ، خود ، بزرگترین گشایش است .

مهمتر از هر انتظار

انتظار گشایش و بهروزی بهر صورت که باشد از نا امیددی و یأس به مراتب بهتر است اما همین انتظار از نظر سعه و ضیق ، مراتب گوناگونی دارد که آثارش متفاوت است بعضی از مراتبش ارزشی ندارد و برخی از درجات آن در نهایت ارزش بوده ، بی اندازه سودمند است .

یکی انتظار دارد زندگی فردی او چند صباحی خوب باشد . یکی انتظار دارد زندگی شخصی او تا پایان عمر در خوشی و ناز و نعمت بگذرد یکی امیدوار است خودش و همه بستگانش در نهایت آسایش و عزت و احترام بسر برند . یکی امید دارد که تمام هموطنان او خوشوقت و سعادتمند باشند . اما یکی از جان و دل امید و انتظار دارد که عدالت

عمومی، رفاه و آسایش عمومی و سعادت همگانی برای همیشه و برای همه افراد بشر بدست يك رهبر آسمانی، يك پیشوای عادل و معصوم ایجاد گردد.

چه بسیار فرق است بین چنین فرد خیر خواه و نوع دوست و نظر-بلند و عالی همت و بین افرادی که امیدی بجائی ندارند یا اگر انتظاری دارند تنها محدود بنفع خودشان و یا بستگان آنهاست.

کسی که انتظارش فقط پیرامون منافع شخصی خود میگردد بسا حاضراست برای اینکه بامید و انتظار خود برسد جامعه را فدای شخص کرده حقوق عده ای را قربانی مطامع نفسانی خود کند.

اما کسیکه انتظار اصلاح همه جهان در دل دارد نه تنها بدیگران ضرر نمیرساند بلکه برای نزدیک شدن بمقصد خود خیر همه را خواسته و دیگران را هم اصلاح میکند و بسا در راه اصلاح دیگران وجود خود را فدا می کند این مرحله از انتظار قابل مقایسه بامراتب دیگر نیست. هر قدر عاطفه کسی بیشتر و همتش بلندتر و محبت و غم خواریش برای نوع زیاده تر باشد بهمان نسبت دائره انتظار فرج عمومی در او وسیعتر است.

مسلمانان واقعی و پیروان حقیقی خاندان عصمت در پرتو تعلیمات پیشوایان دینی و تربیت ائمه اطهار علیهم السلام بلند همت و خیر خواه و انسان دوست بوده و دائره انتظار آنها از سایر اقوام و ملل وسیعتر است. مردایمان، انتظار اصلاح همه جهان را بدست پیشوائی که قرآن و سنت قطعی بشارت او را داده اند در دل خود می پروراند.

شیعه انتظار روزی میکشد که بدست توانای امام زمان حضرت

حجة ابن الحسن (ع) طومار ستم دریده شود و ستمگران نابود گردند و بجای ظلم و فساد صبح عدل و حقیقت همه آفاق را در پرتو دلپذیر خود غرق کند.

این نحوه انتظار است که آثار بی شمار و فوائد بسیار دارد و در این زمینه از معادن علم و حکمت و رجال فضیلت و عصمت روایات بسیاری رسیده است که ما برای نشان دادن عظمت موضوع پاره ای از آنها را ذکر میکنیم :

عظمت انتظار ظهور و صلح جهانی

پیشوای پنجم امام باقر (ع) فرمود : « بدانید اجر کسیکه منتظر ظهور امام زمان و برقراری دولت حق و عدالت است همانند اجر کسیست که همه عمر بعبادت قیام کرده و همه روز دروزه بدارد » (۱)

رهبر ایمان علی (ع) فرمود : « همیشه انتظار گشایش داشته باشید و از فرج و رحمت حق مأیوس نشوید چه آنکه محبوبترین عمل در پیشگاه خدا انتظار فرج است ... و کسیکه انتظار امر ما را داشته باشد مانند کسیست که در راه خدا در خون خود غوطه خورد » (۲)

امام سجاد (ع) فرمود : « مردمی که در زمان غیبت مهدی (ع) می باشند و معتقد بامامت او و منتظر ظهور او هستند آنان از مردم هر زمان دیگر بهتر و برترند ، چه آنکه خداوند بآن مردم آن پایه از عقل و فهم

(۱) واعلموا ان المنتظر لهذا الامر له مثل اجر الصائم القائم (سفینه جلد ۲)

صفحه ۵۹۶)

۲- انتظرو الفرج ولا تبأسوا من روح الله فان احب الاعمال الى الله عز وجل انتظار الفرج - الى ان قال. والمنتظر لا مرنا كالمتهبط بدمه في سبيل الله (منتخب الاثر ص ۴۹۸) .

و معرفت عطا کرده که غیبت در پیش آنها چون حضور و مشاهده است (و با آنکه امامشان از نظرشان غائب است چنان اورا باوردارند که گویا اورا می بینند) و خداوند آن مردم را مقام و مرتبه جانی ازانی که پیش روی پیغمبر مجاهده کرده اند بخشیده است آن مردم بحقیقت بنده خالص حق و شیعه راستین ما هستند آن مردم دیگران را آشکار و نهان بدین خدا دعوت می کنند (۱)

روایت اول انتظار را بایک عمر نماز روزه برابر دانسته است و روایت دوم قدم فراتر گذاشته و انتظار فرج را با شهادت مساوی شمرده و آنرا محبوبترین اعمال قلمداد کرده است اما روایت سوم چنان پایه منتظرین را بالا برده که آنان را افضل اهل هر زمان دانسته است .

رئیس مذهب ما امام صادق (ع) انتظار امام زمان را شرط قبولی اعمال شناخته است - میفرماید : آیا میخواهید شمارا باموری خبر دهم که خداوند هیچ عملی را بدون آن از هیچ کس نمی پذیرد . حضا بنا کمال میل گفتند : بلی . فرمود : شهادت بر یگانگی خدا و پیامبری حضرت محمد (ص) ، اقرار بدستورات خدا ، ولایت ما ، بیزاری از دشمنان ما - تا آنکه فرمود - و انتظار ظهور حضرت قائم (ع) (۲) .

و نیز امام صادق منتظرین امام زمان را اولیاء خدا معرفی فرموده است چنانچه روزی با بایصیر فرمود : «با بایصیر! خوشحال شیعه قائم ما (ع) که در غیبت او انتظار ظهورش را کشیده و در وقت ظهور او اطاعتش را بر گردن نهاده اند

۱ - منتخب الاثر ص ۲۴۴

۲ - بحار چاپ قدیم جلد ۱۳ - صفحه ۱۴۰ بنقل از غیبت نعمانی

اینان اولیاء خدایند و ترس و حزنی برایشان نیست (۱)

فوائد انتظار فرج

آیا سر این همه ثواب و اجر که بر انتظار فرج مترتب شده است چیست؟ چرا شخصی که منتظر ظهور امام زمان (ع) است افضل اهل هر زمان و چرا انتظار، افضل اعمال است؟ این عظمت بخاطر فوائد و نکات است که در حقیقت ثمره انتظار واقعی است و در اخبار و آثار نیز بیان شده است. و ما بطور اختصار فوائد مهم آنرا ذیلا مینگاریم:

۱- انتظار واقعی همراه با تحرك و گرایش بخیر بوده و لازمه آن اصلاح خود و دیگران است چرا که انتظار حالتی است قلبی که همواره انسان را چشم بر راه میدارد انتظار فرج يك نوع نگرانی آمیخته باشوق دزدل ایجاد مینماید و بالاخره این حالت قلبی در اعمال خارجی ظاهر میشود مثلاً کسی که منتظر آمدن محبوب عزیز خود است منزل خود را برای ورود محبوب خود آراسته و منظم می کند. وسایل پذیرائی ممکن را فراهم مینماید و خود آماده خدمتگذاری می نشیند. چشم خود را بر راه میدوزد و بهر صدای پائی شادی کنان از جا برمیخیزد تا ببیند آیا دوست عزیز اوست؟ حقیقت انتظار مرکزش دل است امام مظهرش اعمال و افعال خارجیت کسیکه راستی انتظار آمدن پیشوای محبوب خود حضرت **حجة بن الحسن (ع)** را دارد و دلش میخواهد امام زمان بیاید و او را مورد عنایت و لطف قرار دهد خود را آماده و مهیامی کند خود را چنان میسازد که امام می پسندد و می خواهد. کاری نمیکند که مورد تنقرو

۱- یا با بصیر طوبی لشیعة قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبه و المطمعین له فی ظهوره اولئک اولیاء الله الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون - منتخب الاثر ص ۵۱

خشم امام (ع) قرار گیرد عملی انجام نمیدهد که امام (ع) او را از پیشگاه خود طرد کند. اگر چنین کند در انتظار و محبت خود کاذب است چگونه میتواند ادعای محبت کند کسی که موجب رنجش قلب مبارك امام زمان میشود. چگونه در انتظار خود صادق است کسی که برخلاف نظر محبوب خود با اعمال ناروا دست میزند و در مخالفت پیشوای خود اصرار می‌ورزد؟

اجتماعی که انتظار ظهور مصلح جهانی و امام عادل دارد باید بقدر امکان خود ستم نکند، زیر بار ستم نرود، از فسق و فحشاء ترویج نکند مابین دیگران فتنه و فساد نیندازد عدالت و صلاح را چون عمر خود دوست دارد، یاری ستمگران نکند، نه تنها خود فساد نکند بلکه نگذارد دیگران هم وسایل فساد و بدبختی در آن اجتماع وارد کنند، اجازه ندهد که دشمنان بنام دوستی، اخلاق و عفت و تقوای جوانان را یغما کنند یا بنام سرگرمی و تفریح، هزار گونه فیلمهای جنایت انگیز و وسایل شهوت و انحراف را در بین مردم بیاورند و در نتیجه غیرت و فضیلت و سعادت و عزت و پیشرفت مادی و معنوی اجتماع همه را بطوفان فنا و زوال بسپارند.

اجتماعی که میگوید افتخار من انتظار امام زمان است باید در تهذیب و تصفیه خود از صفات بد، بکوشد تا لایق محضر مبارك امام زمان شود. باید مواظبت داشته باشد که از غربال امتحان الهی بیرون نرود و استقامت و ثبات قدم و متانت خود را حفظ کند.

جابر جعفی از امام پنجم (ع) می‌پرسد: فرج شما در چه وقت خواهد بود؟ فرمود: هیات، هیات، فرج ما فرانمیرسد تا شما غربال شوید باز غربال شوید باز غربال شوید و در نتیجه نالایقان و تیره دلان از غربال

بیرون روند و اهل صفا و حقیقت باقی بمانند (۱)

اجتماعی که می‌خواهد در ردیف منظرین واقعی قرار گیرد نه تنها باید در اصلاح خود بکوشد بلکه باید در ترویج دین و نشر حقایق و احیاء فضایل و تکمیل عقول دیگران و اصلاح عموم بسر حد امکان کوشش کند چه آنکه محبوب او اینهمه را دوست دارد و بایافتن شرائط مساعد و زمینه آماده احتمال ظهور او بیشتر می‌رود.

از آنجا که لازمه انتظار واقعی اصلاح و تحریک و تحرك است می‌بینیم در برخی از روایات منتظران را با همین علامت معرفی کرده‌اند مثل روایتی که از حضرت سجاد علیه السلام ذکر شد. در خاتمه آن روایت اشاره به منتظران کرده می‌فرماید: *اولئك المخلصون حقاً و شیعتنا صدقاً و الدعاء الی دین الله عز و جل سرأ وجهراً*

۲- انتظار فرج و امید اصلاح عمومی جهان و آمدن منتقم ستمگران مقاومت آدمی را در تحمل مشقات زیادتر کرده و بشخص استقامت و قدرت می‌بخشد - و نیز کسی که میدانند بناء ظلم بهم ریخته خواهد شد و دستی نیرومند بحمايت از مظلومین و مجرومین خواهد برخاست یکنوع آرامشی در قلب خود احساس می‌کند و این انتظار قلب دردمند او را تسلی می‌بخشد.

فرق است بین کسی که سیر دنیا را رو بفساد و ظلم و تباهی همیشگی می‌بیند و بین کسی که دنیا را رو بصلاح و عدالت و رشد و تکامل عمومی می‌نگرد - فرد اول راهی برای تسلیت دل و تقویت روح خود نمی‌یابد و فرد دوم دلش آرام و مطمئن است.

۳ - انتظار فرج نشانه روحی بزرگ و پاک و قلبی مهربان و عدالت - خواهد است کسیکه برآستی انتظار اصلاح همه جهان و رفاه همه مردم را دارد فردی بشر دوست و پر عاطفه و بلند همت و در کمال انسانیت است و الحق که چنین روحی بزرگ و چنین قلبی سرشار از محبت شایسته آنهمه ثواب الهی است و این نوع انتظار و اشتیاق اصلاح همگانی وظیفه هر کس است . چنانکه پیشوای ششم امام صادق (ع) در پاسخ سخن عمار تعجب - کنان فرمود : سبحان الله ، آیا دوست نمی‌دارید که خداوند بزرگ حق و عدالت را در همه جا ظاهر سازد و حال همه مردم را نیکو کند و خداوند کلمه‌ها را جمع کرده ، همه را یکدل و یکزبان کند و میان دل‌های پراکنده ایجاد الفت نماید ؟! آیا نمی‌خواهید که در سراسر زمین معصیت خدا نشود و حدود الهی در بین مردم اجرا گردد ؟! (۱) .

انتظار باید منشأ آثار مثبت باشد نه منفی

در این بحث بیان دو نکته اساسی لازم بنظر میرسد که در حقیقت دوشهر فرشته انتظار فرج حساب میشود این دو نکته دو پایه بزرگ این کاخ و دو شرط عمده انتظار است .

اول - شخصی که امید گشایش دارد باید احساس تنگی و ناراحتی و نگرانی و فشار در خود بنماید تا انتظار فرج در حق او صادق باشد همچنانکه تعمق در کلمه انتظار فرج و تأمل در ریشه لغوی آن ما را باین حقیقت

(۱) سبحان الله اما تحبون ان يظهر الله عز وجل الحق والعدل في البلاد ويحسن حال عامة الناس ويجمع الله الكلمة ويؤلف بين القلوب المختلفة ولا يبصى الله في ارضه وتقام حدود الله في خلقه (بجاری چاپ قدیم ج ۱۳) .

میرساند کسبیکه در گشایش بوده و هیچگونه ناراحتی و مضیقه‌ای در کارش نباشد انتظار فرج در باره اوصحیح نیست .

بنابر این منتظر فرج باید احساس ناراحتی و رنج بنماید و لازمه احساس تنگی و فشار آنست که شخص از اوضاع موجود دلخون و ناراضی بوده و از اعمال و افعال مردم در رنج باشد .

پس باید خود او از نظر فکر و همت و قول و فعل در سطح عالیترا و افق برتری بوده باشد، نه آنکه عمر ننگ جماعت باشد - وقتی مؤمنی عملاً در سطح عالیترا بود از دیدن اجتماع آلوده رنج میبرد و نیز میترسد آتش آلودگی دامن او را هم بگیرد او در دریای اجتماع قرار گرفته است و بسیار سخت است که از آلودگیهای اجتماع برکنار ماند در این حال مؤمن واقعی احساس فشاری مهلك و رنجی طاقت فرسا می کند ، حال او مانند کسی است که در زندان یا درزنجیر باشد .

پدید آمدن اینجالت برای مؤمن در آخر الزمان ضمن روایات ذکر گردیده است پیامبر گرامی اسلام در روایتی فرمود : **لا یجد المؤمن ملجأ یلتجىء الیه من الظلم** : مؤمن در آن زمان هیچ پناهگاهی نمی بیند که از حمله ستم بآجا پناهنده شود و در فرمایش دیگر آمده است که در آخر الزمان قلب مؤمن از غم و اندوه در سینه اش آب میشود و همانطور که نمک در آب ذوب می گردد برای اینکه روشن شود که چگونه مؤمن در آخر الزمان احساس تنگی و فشار میکند کمی مطلب را تحلیل می کنیم رودخانه ای را در نظر بگیرید که سیل مهیب آن باغش سهمگین دیوانه وار پیش میرود اگر کسی بخوهد در این رودخانه دره سیر جریان آب شنا کند کاریست بسیار آسان و بی زحمت بطوریکه با حرکت دست و پائی

مترها راه جلو می‌رود . اما اگر فردی فهمید که شنا کردن بر وفق جریان سیل او را بدره‌ها و پرتگاه‌ها می‌کشاند و بر اساس این فکر خواست بر خلاف مسیر سیل شنا کند به بینید با چه مشقات جان‌نفرسا و سختی‌ها و مضیقه‌ها روبرو خواهد شد .

مؤمن واقعی که در محیط معصیت می‌خواهد زندگی کند و در عین حال دامنش آلوده نشود و در سطح بالاتری از مردم باشد باید بسیار زحمت بکشد و قدرت و عمت داشته باشد و خود را تسلیم کشا کش اجتماع نکند و برای خدا محرومیت‌های فراوانی را بر خود بپذیرد تا بتواند بر خلاف مسیر اجتماع راه سالمی را پیش گیرد . اینکار سختی و دشواری و تنگی و ناراحتی دارد .

اگر بخواهد مؤمن هم رنگ اجتماع شود می‌بیند حقیقت دین که بهترین گوهر و بالاترین شرافت و سعادت است از دستش می‌رود و اگر بخواهد هم رنگ اجتماع نشود باید از بسیاری از آسایش‌ها چشم‌پوشد تا بتواند رضای خدا را بخرد و دین خود را حفظ کند . اینجاست که گفته‌اند زمانی فرارسد که حفظ دین در محیط آن زمان همچون نگهداری چراغیست روشن در میان طوفانی سخت .

و آنهمه ثواب حیرت‌آور و فضیلت و عظمت که در روایات برای منتظران واقعی وارد شده است برای همین است که بشرائط انتظار عمل-کردن سخت است .

اجرو عظمت شهداء بدر را بمنظران دادن بلکه فضیلت هزار شهید بدر را بمؤمنین ثابت قدم آخر الزمان بخشیدن نمیتواند بهبوده بوده و یا بخاطر عملی ساده و آسان باشد .

شماره در حالات مسلمین با اخلاص که در جنگ بدر واحد کشته شدند مطالعه کنید به بینید چه نجهها و مشقتها بردند و چگونه بر خلاف مسیر اجتماع آنروز حرکت کردند و چگونه در برابر امواج استهزاء و اهانت مردم مقاومت نشان دادند و چگونه با نداشتن هیچگونه وسيله مردانه مبارزه کردند تا شهید شدند و اسلام را از غربت اولیه نجات بخشیدند اینهمه صبر و تحمل و جانفشانی کردند تا بدرجه بلندی رسیدند که سایر شهیدان جنگهای اولیه با آن مقام نرسیدند آنهارا عظمت و فضیلتی را طی کردند که فداکاران عاشورا همان راه را سپردند .

همانطور که در زیارتی که باسند معتبر از امام صادق علیه السلام در باره پرچم دار نهضت حسینی ابوالفضل العباس (ع) وارد شده است میخوانیم:

اشهدواشهد الله انك مضيت على ماضى به البدر يون (۱) .

: گواهی میدهم و خدا را نیز گواه میگیرم که تو بهمان راهی رفتی که شهداء بدر آن راه را پیمودند.

خداوند ثواب شهداء بدر و سایر جنگهای پر مشقت اولیه اسلام را بمنظران واقعی داده است همانطور که در حدیث امام سجاد (ع) وارد شده است که : « خداوند منظران ظهور ولی عصر را در درجه و مقام ، چون مجاهدینی که در حضور پیغمبر (ص) شمشیر زده اند قرار داده است » (۲)

و در روایت دیگر از آن حضرت نقل شده که فرمود : « کسی که بر

(۱) مفاتیح ص ۴۳۵

(۲) و جعلهم فی ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله (ص)

بالسيف (منتخب الاثر ص ۲۴۴)

دوستی و ولایت ما در زمان غیبت قائم ماعلیه السلام ثابت بماند خداوند اجر هزار شهید از شهیدان بدر واحد باو مرحمت کند» (۱).

اینهمه عظمت برای چیست؟ برای این است که حفظ دین در زمان غیبت ولی عصر (ع)، با آنهمه فساد محیط، سخت است. ولذا در روایتی دینداران آخر الزمان را همدرجه شهداء غزوات اولیة اسلام قرار داده است. و نظر باینکه مسلمانان صدر اسلام پیامبر را می دیده اند و گفتار شفا بخش پیامبر دل آنها را تسلی می بخشیده ولی مؤمنین آخر الزمان از دیدار امام محرومند، لذا در روایت دوم ثواب آنها را تا آن حد بالا برده و بلند دانسته است.

روایتی از پیامبر اسلام (ص) وارد شده است که فرمود: «اسلام در آغاز پیدایش خود غریب و بیگس بود، و باز همین دین باشکوه گرفتار غربت خواهد شد و خوشا بحال بیگسان و غریبان آن روزگار. پرسیدند یا رسول الله! بیگسان آن دوره کیانند؟ فرمود مردم نیکوکاری که در وقت تباهی محیط، و فساد عموم صالح بمانند و منحرف نگردند» (۲).

با این تحلیل، روشن شد که سر اینهمه ثواب برای منتظران واقعی آنست که اینان نیز چون مسلمانان صدر اسلام در زمان غربت دین واقع شده و در راه حق کمتر یار و یاور دارند، اینان نیز چون مردان فداکار پیشین باید با خرافات و موهومات و مظالم و مفاسد مبارزه کنند و در این میانه دین خود را ثابت و سالم نگاه دارند و نیز روشن شد که اینهمه ارزش

(۱) من ثبت علی مولاتنا (ولایتنا خل) فی غیبة قائمنا اعطاء الله عزوجل

اجراف شهید من شهداء بدر واحد (منتخب الاثر - ص ۵۱۳)

(۲) بحار چاپ قدیم ج ۱۳

و فضیلت برای کسانی که تنها بزبان ادعای انتظار فرج می کنند ولی کوچکترین اثری در عمل آنها نبوده و در فکر اصلاح خود نیستند ، نبوده و نخواهد بود .

دوم- در بیان نکته اول روشن شد که صدق انتظار فرج در موردیست که شخص در خود احساس ناراحتی کند .

وقتی شخصی احساس تنگی و ناراحتی کرد در مسیر خود باین دو راهی میرسد که یا حالت یأس در او پیدا میشود که در این حال ، آدمی از زندگی دلسرد و سیر شده از تلاش و کوشش باز میماند .

و یا امید بر طرف شدن گرفتاری و حالت انتظار فرج در او پدید میآید .

در این صورت نیز شخص گرفتار بسرد و راهی دیگری میرسد ، گاهی حالت غرور در او پیدا میشود و پیشنگرمی انتظار فرج از کار و کوشش دست کشیده ، بستنی و اهمال میگرداید ، نتیجه این حالت جز بدبختی و عقب ماندگی نیست و ضرر غرور کمتر از ضرر یأس نمی باشد و گاهی امید فرار سیدن فرج بر نشاط و قدرت شخص افزوده و نیروی او را تجدید می کند .

انتظار فرجی که چنین نتیجه عالی ببخشد و باعث کوشش و جوشش شود مطلوب خدا و منظور شرع و مورد اجراست دین بماندستور میدهد که :

اولاد برابرمعاصی و مظالم محیط ، احساس تنگی و ناراحتی و تنفر کرده و از مظالم بدور مانیم نه آنکه شریک دزد و رفیق قافله باشیم
ثانیاً از بهبود اوضاع ناامید نشویم چ-را که اعتقاد بامام زمان (ع) مانع از یأس میشود .

ثالثاً باین انتظار مغرور نشویم بطوریکه دست از اصلاح خود و دیگران برداریم .

برای اینکه سنده حکمی از گفتار پیشوایان دین عرضه شده باشد این حدیث ذکر میگردد :

امام صادق (ع) فرمود : « من سره ان یکون من اصحاب القائم فلیمنتظر ولیعمل بالورع ومحاسن الاخلاق وهو منتظر » (۱)
 فرمود هر کس که خوش دارد که از یاوران امام زمان (ع) باشد پس باید انتظار ظهور او را بکشد و در عین حال که منتظر است باید بشرائط تقوی عمل کرده و با اخلاق نیکو آراسته باشد .

بنابر این کسیکه منتظر است نباید بیبانه انتظاره صلح دست از اصلاح و مبارزه با فساد بردارد و اگر چنین کند نه تنها فرمان امام صادق (ع) را زیر پا گذاشته بلکه از نظر عقل و عرف نیز کار بدی انجام داده است .
 هنگامی که خورشید از نظرها ناپدید میشود و ظلمت شب پرده سیاه و سنگین خود را بر روی طبیعت می کشد آیا مردم تسلیم ظلمت میشوند ؟!

آیا کسانی که در ظلمت واقعند باینکه انتظار طلوع خورشید را دارند بتاریکی خو میگیرند و با ظلمت مبارزه نمی کنند ؟
 آیا باین عندر که نمیتوانند همه ظلمتها را روشن کنند در وحشت و سیاهی بسر می برند ؟!

آیا کسی میگوید که چون زدودن همه تیر گیها و روشن کردن همه جوانب تنها کار خورشید است پس باید مردم روی زمین دست از دفع

ظلمت بردارند ؟!

آیا کسی میگوید که ساختن چراغ و اختراع برق و درست کردن ماشین های عظیم الکتریسته و نیروهای روشنائی کار غلطی است ؟!

آیا خردمندان جهان اینچنین فکر می کنند و چون حیوانات بیابانی در برابر ظلمت تسلیم محض میشوند یا بقدر توانائی ایجاد روشنائی می کنند؟ شکی نیست که عقلا در برابر فروختن تاریکیهای کوشند اگر قدرت دارند کارخانه ای را بکار انداخته شهری را روشن می کنند و اگر این توانائی را ندارند با چراغ قسمتی از فضای اطراف خود را روشن می نمایند ، و اگر چراغ هم نبود با فروختن شمع از ضخامت ظلمت می کاهند حتی چوپان بیابان گردهم با آتش زدن مشتی همزم در بیابان بسهم خود با ظلمت می ستیزد این روزگار هم که دوران غیبت امام زمان است خورشید الهی از نظرها پنهان است ، ظلمتها زمین را احاطه کرده است اجتماعات در کام ظلمت فسق ، فجور ، شهوات ، انحرافات ، جنایات و مفاسد فرورفته است ؛ درست است که آنکه همه این ظلمتها را از بین می برد تنها وجود مقدس امام زمان (ع) است و درست است که وظیفه ما انتظار اوست و نیز درست است که ما هر چه بکوشیم نمیتوانیم جز نقاطی محدود را از تاریکی برطرف کنیم اما با این عذرها نمیتوانیم دست از نبرد ظلمت برداریم ، و حتی شمع کم نور یا چراغ ضعیفی را هم که میتوانیم از صلاح و نیکی برافروزیم ، روشن نکنیم ، .

کدام منطق و عقل و عرف این کار را می پسندد ؟! ما که چنین امری را سراغ نداریم اگر شما سراغ دارید بمانشان بدهید تا دیگران رادر این سستی و اهمالشان معذور داریم .